

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیل فن اوکن - Bill Van Auken

برگردان از: حمید محوی

۰۸ می ۲۰۱۸

واشنگتن و تل آویو در آستانه جنگ علیه ایران



رویدادهای روزهای گذشته نشان داد که امپریالیسم امریکا، با همکاری اسرائیل هم پیمان اصلی اش در خاورمیانه، در راستای برخورد مستقیم نظامی با ایران حرکت می کند.

نزدیک به یک هفته و نیم پیش از تاریخ نهانی ۱۲ مه یعنی روزی که رئیس جمهور امریکا دونالد ترامپ باید اعلام کند که آیا تعلیق مجازاتهای یکجانبه ایالات متحده علیه ایران را که در توافق هسته ئی سال ۲۰۱۵ به ثبت رسیده بازبینی خواهد کرد یا نه، نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو نمایشی به صحنه آورد و مدعی شد «مدرکی» در اختیار دارد که نشان می دهد که درباره برنامه هسته ئی «ایران دروغ گفته است». او سپس در مدح ترامپ و اعتمادی که به او دارد سخن گفت «انتخاب خوبی خواهد داشت»، به این معنا که ترامپ توافق هسته ئی را بی اعتبار اعلام خواهد کرد، یعنی توافق وین درباره برنامه جامع اقدام مشترک که میان ایران و پنج قدرت بزرگ + یک (ایالات متحده امریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، چین و روسیه) به امضاء رسیده بود. ترامپ از نمایش تأتری نتانیاهو به مثابه تأیید «۱۰۰ در ۱۰۰» آنچه درباره توافق هسته ئی اعلام کرده بود: یعنی «بدترین توافق»، قدردانی به عمل آورد.

در واقع، کاشناسان هسته ئی در سطح بین المللی، نمایندگان اروپائی و حتا مسؤولان اطلاعاتی قدیمی اسرائیلی تردستی نتانیاهو در سخنرانی اش را مردود دانستند و آن را نمایش مضحک نامیدند. دعای دولت اسرائیل مبنی بر این که صدها هزار پرونده از ایران ربوده، هیچ مدرکی دال بر این که ایران از ۱۵ سال پیش برنامه تولید جنگ افزار هسته ئی داشته و یا توافق نامه «برنامه جامع اقدام مشترک» را زیر پا گذاشته عرضه نکرد.

گزارشات دائمی آژانس بین المللی انرژی هسته‌ئی که یکی از آنها تاریخ فبروری را بر خود دارد تأیید کرده است که تهران محدودیت غنی سازی اورانیوم و بازرسی مبتنی بر توافق نامه را قویاً رعایت کرده است.

نمایش تردستانه نتانیاها، نمایش کولین پاول در سال ۲۰۰۳ تداعی می‌کرد که «مدرک و نه شایعه» ای را نشان می‌داد که دال بر وجود «جنگ افزار کشتار جمعی» در عراق بود، و همین «مدرک» [تقلبی] یک ماه بعد برای توجیه جنگ تجاوزکارانه آمریکا علیه عراق به کار بسته شد. پاول در آن دوران دست کم دروغهائی را ردیف کرد که برای دعاوی امریکائی ها و اثبات خطر از جانب عراق کافی بود، ولی نتانیاها هیچ مدرکی عرضه نکرد. سخنرانی نتانیاها به زبان انگلیسی در هماهنگی مستقیم با ترمپ تنظیم شده بود که کمی پیش از پخش آن با او صحبت کرده بود. شب پیش از پخش سخنرانی نیز وزیر امور خارجه جدید آمریکا مایک پمپئو به همراهی مقامات دیگر با نتانیاها در تل آویو گردهمائی داشتند.

پشت همه این هرج و مرج و رسوائی های دولت ترمپ، آنچه از واشنگتن برخاسته است یک دولت جنگ طلب است، ابتداء با انتخاب جان بولتون در مقام مشاور امنیت ملی و سپس گزینش مایک پمپئو در مقام وزیر امور خارجه از سوی سنا و با پشتیبانی اجتناب ناپذیر دموکراتها. هر دو از طرفداران سر سخت جنگ علیه ایران هستند.

بولتون توافق هسته‌ئی ۲۰۱۵ را یک « اشتباه ستراتیژیک بزرگ » خواند، و روی این امر پافشاری کرد که سیاست آمریکا باید « به انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ پیش از چهلین سالگردش پایان بدهد» یعنی پیش از فبروری آینده. تغییر رژیم در تهران، به گفته مشاور جدید امنیت ملی [آمریکا] باید به وسیله حرکت مستقیم نظامی عملی گردد. تیتز مقاله ای که پیش از توافق «برنامه جامع اقدام مشترک» در نیویورک تایمز منتشر کرد چنین بود : « برای جلوگیری از بمب ایران، به ایران حمله کنید. »

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران از هم اکنون آغاز شده، و یکشنبه شب در حمله هواپیماهای اف ۱۵ اسرائیلی که ایالات متحده آمریکا تحویل داده بود علیه پایگاه های نظامی سوریه بیش از ۲۰ ایرانی جان خود را از دست دادند. این حمله، از ماه سپتمبر پنجمین حمله اسرائیل به سوریه بود. در همه این حملات نیروهای ایرانی هدف گرفته شده اند. با روسیه، تهران همپیمان اصلی دولت اسد است که از هفت سال پیش واشنگتن و هم پیمانانش با برپا کردن جنگ در پی سرنگونی آن و تغییر رژیم در سوریه هستند.

گزارشات رسیده از اسرائیل نشان می‌دهد که نقل و انتقالات مهمی شامل تانک، خودرو زرهی نفربر در مرزهای شمالی کشور با سوریه و لبنان صورت گرفته است.

یکی از مقامات بلند پایه آمریکا روز سه شنبه در ان بی سی نیوز گفت : « در فهرست مناطقی که ظرفیت جنگ با بالاترین میزان احتمالات در جهان را دارا می‌باشند، جنگ میان اسرائیل و ایران در سوریه در رأس هرم احتمالات قرار دارد.»

همکاری تنگاتنگ میان واشنگتن و تل آویو در تدارک چنین جنگی از گردهمائی های جنون آسائی آشکار می‌گردد که میان مقامات بلند پایه نظامی و امنیتی آمریکا و اسرائیل در پایتخت دو کشور برگزار می‌شود.

این مناسبات با گسیل پمپئو [وزیر امور خارجه] به خاورمیانه حتا پیش از آغاز کار در وزارت خارجه تکمیل شد. او نه فقط با نتانیاها مشورت کرد بلکه با مقامات سعودی و اردنی نیز ملاقات داشت تا جبهه ای منسجم از رژیم های سلطنتی و ارتجاعی عرب در اردوی جنگ اسرائیل و آمریکا [علیه ایران] تشکیل دهند.

پشت این تدارکات شتاب زده جنگی هیچ نگرانی واقعی از سوی ایران و بمب هسته‌ئی ایران وجود خارجی ندارد : تهران بمب اتمی ندارد و هرگز برنامه واقعی و عینی برای تولید چنین بمبی نداشته، در حالی که در انبار جنگ

افزارهای اسرائیلی ۲۰۰ تا ۴۰۰ کلاهک هسته‌ئی وجود دارد. به عکس، آنچه مطرح می‌باشد چیزی نیست به جز منافع امپریالیستها.

ایران کشوری غنی از نفت و مهم از دیدگاه ستراتیژیک در جایگاه قدرت منطقه‌ئی برای خواستها و تضمین فرادستی امپریالیسم امریکا در خاورمیانه مانع به حساب می‌آید.

قدرتهای اروپائی بیش از پیش با واشنگتن اختلاف نظر پیدا کرده اند. پس از دیدار ماکرون و آنجلا مرکل با ترمپ ظاهراً با وجود تبعیثشان در متقاعد کردن ترمپ از پاره نکردن قرارداد هسته‌ئی با شکست روبه رو شدند. مذاکره رهبران اروپائی با نخست وزیر بریتانیائی ترزا می در کوران پایان هفته به نظر می‌رسد که امکان نجات توافق هسته‌ئی را بدون ایالات متحده امریکا فراهم آورده است. اروپائی‌ها بیم دارند که یک جنگ بزرگ منطقه‌ئی در اشکال خشونت آمیز، بحران سیاسی و سیل پناهندگان جدید سرازیر شود و به همین گونه منافعشان به خطر بیفتد.

در حالی که بانک‌ها و شرکتهای امریکائی به دلیل مجازاتههای اقتصادی امریکا که در پیوند با موضوع هسته‌ئی نیست از بازار ایران حذف شده اند، منافع اروپائی‌ها به ویژه مجتمع نفتی فرانسه توتال قرارداد سودآوری را به امضاء رسانده است. اغلب اروپائی‌ها تا کنون چیزی به دست نیاورده اند، به این علت که از واشنگتن بیم دارند توافق هسته‌ئی را پاره کند و شرکتهای خارجی که با ایران داد و ستد می‌کنند زیر فشار قرار بگیرند.

چین مناسبات اقتصادی پر اهمیتی با ایران برقرار کرده، به ویژه اعتبار ۱۰ میلیارد دلاری بیجینگ برای تسهیل راه اندازی طرح‌های زیربنائی توسط شرکتهای چینی، مانند مراکز برق، سد و شبکه‌های ترابری. بیجینگ ایران را به مانند عنصر کلیدی برای طرح عظیم «راه ابریشم» تلقی می‌کند که چین را به اروپا متصل می‌سازد و بخش مهمی از واردات نفتی اش را می‌خواهد از ایران تأمین کند و نه از عربستان سعودی که همپیمان واشنگتن است. در سال ۲۰۱۶، رئیس جمهور چین شی جینپینگ و رئیس جمهور ایران حسن روحانی طرح‌هایی را اعلام کردند که حجم بارزگانی آن در کوران دهه آینده به ۶۰۰ میلیارد دلار می‌رسد.

آنچه مربوط به ایران و یا کشورهای دیگر می‌شود، امپریالیسم امریکا در جست و جوی راه حلی برای جلوگیری از فروپاشی تسلط و فرادستی اقتصادی اش به کار بست تجاوز نظامی روی می‌آورد. اگر قدرتهای اروپائی با حرکات نظامی امریکا همراه شدند، مانند بریتانیا و فرانسه در بمباران سوریه در ۱۴ اپریل، امیدوار بودند که از مداخله امپریالیستی سهمی از غنیمت جنگی به دست آورند، ولی تا وقتی که در خدمت امریکا باشند، چنین امیدی به ناامیدی تبدیل خواهد شد. قدرتهای اروپائی در جنگ همه علیه همه برای تقسیم جهان باید به شکل اجتناب ناپذیری به تجهیز نظامی خود بپردازند. این روند از هم اکنون در شرف تکوین است.

اگر واشنگتن در پی تسکین اروپا بوده و مالیات جنگ اقتصادی را برای مبادلات بازرگانی به تعویق انداخته و یا تنش در کوریا را موقتاً کاهش داده، علت این بوده که بهتر روی تدارکات جنگ در خاورمیانه متمرکز شود.

حرکت گام به گام به سوی جنگ میان اسرائیل و ایران که در سوریه آغاز شد، به موازات مداخله نظامی امریکا در این کشور به جریان افتاد. این مداخله نظامی به سوی برخورد با نیروهای دولتی که از پشتیبانی ایران و روسیه برخوردار است به پیش می‌رود.

وزیر دفاع، جنرال جیمز ماتیس روز دو شنبه اعلام کرد که بیش از ۲۰۰۰ سرباز امریکائی مستقر در سوریه به این زودیها نخواهند رفت. «ما نمی‌خواهیم پیش از آن که دیپلماتها به صلح دست نیافته اند منطقه را ترک کنیم» او گفت: «شما برنده نبرد می‌شوید و سپس صلح از آن شما خواهد بود».

واقعیت این است که نیروهای نظامی امریکا به پشتیبانی نیروهای نیابتی در زمینی که شبه نظامیان واحد های مدافع خلق کُرد سوریه هستند در منطقه باقی می مانند تا منطقه زیر نفوذ امریکا را کنترل کنند که تقریباً معادل یک سوم مساحت سرزمین سوریه در مرز شمال شرقی با ترکیه و عراق است. این منطقه در عین حال شامل ذخائر نفت و گاز کشور است. پس از به اصطلاح مأموریت جنگی برای مبارزه علیه داعش، اکنون نیروهای امریکائی می خواهند از دولت سوریه برای دسترسی و کنترل سرزمین و منابع خودش جلوگیری کنند.

در حالی که روسیه با دمشق برای تحویل سامانه های پیشرفته دفاع هوایی مذاکره می کند، چشم انداز برخورد نظامی روسیه، امریکا و اسرائیل دائماً رو به افزایش است.

در گسترش تهدید جنگ علیه ایران در سوریه برای کارگران ایالات متحده امریکا و کارگران همه جهان به معنای اخطار وخیمی خواهد بود. فشار از سوی بحران ساختاری نظام سرمایه داری جهانی و در رأس آن طبقه رهبران امریکائی و ارتش امریکا خود را برای جنگ جهانی آماده می کند، جنگی که در آن [احتمالاً] جنگ افزارهای هسته ئی به کار برده خواهد شد.

مرکز پژوهش های جهانی سازی، ۳ می ۲۰۱۸

Article paru en anglais, WSWS, le 2 mai 2018

wsws.org La source originale de cet article est

, 2018 wsws.org, [Bill Van Auken](http://www.billvanauken.com) Copyright ©

پیوند کمپیوتری متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/washington-et-tel-aviv-se-dirigent-vers-une-guerre-avec-iran/5625400>

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۷ مه ۲۰۱۸